

رخداد

یافتن مدارک مفقودی ترند بانده سارقان فامیلی

■ شرق: رئیس پلیس آگاهی استان کهگیلویه و بویراحمد از انهدام بانده سارقانی خبر داد که به پنهان یافتن مدارک مفقوده‌شده، از مالباختگان سرقت می‌کردند. سرهنگ عبدالعلی عبدی‌پور گفت: چندی پیش پرونده‌ای در مورد سرقت به عنف برای رسیدگی به پلیس آگاهی ارجاع داده شد. وی افزود: شاکی با حضور در مقر پلیس آگاهی عنوان کرد چند روز پیش مدارک شناسایی‌اش مفقود شد و زنی جوان با وی تماس گرفت و عنوان کرد مدارک شناسایی مالباخته نزد او است. سپس مالباخته با این زن قرار ملاقاتی را ترتیب داد و با حضور در محل زن جوان به همراه دو پسر جوان دیگر با زور و استفاده از افشانه فلفل شاکي را سوار خودرو خود کردند. رئیس پلیس آگاهی کهگیلویه و بویراحمد با بیان اینکه سارقان پس از ضرب و شتم مالباخته مبلغ ۲۰۰هزار تومان و نعل نقر، دو عدد گوشی تلفن همراه، یک عدد انگشتر طلا و گردنبند را از مالباخته سرقت و او را در گوشه‌ای رها کردند و متواری می‌شوند. گفت: کارآگاهان در بررسی و تحقیقات خود به سرخني از زني ۰ آساله به نام «فرخنده» که دارای سابقه کيفري بود، رسیدند و او را دستگیر کردند.

انهدام بانده برداشت غیر مجاز از حساب شهروندان

■ ایستنا: پاندي که اقدام به برداشت غیرمجاز از حساب بانكي شهروندان می‌کرد، متلاشی شد. سرهنگ بهشتي، رئیس پلیس فتای استان لرستان دراین‌باره گفت: ماموران در پی وصول چندین فقره پرونده مبنی بر سرقت وجهنگذاف حساب بانكي شهروندان از طریق اینترنت وارد عمل شدند. در تحقیقات صورت گرفته و استفاده از داده‌های حساب‌های بانكي شهروندان و خریدهای اینترنتی مشخص شد بیشتر وجه مسروقه به صورت خرید شارژ تلفن همراه مصرف شده است. رئیس پلیس فتای استان لرستان با بیان اینکه پس از بررسی‌ها، متهم شناسایی و دستگیر شد، گفت: وی در بازجویی‌های به‌عمل آمده با توجه به مستندات ارایه شده توسط پلیس فتا به جرم خود اقرار کرد. به‌هشتي گفت: متهم ضمن اعتراف به سزه ارتكبي عنوان کرد با همکاری شش همدست خود مرتكب جرم شده است. به گفته این مقام قضایی، تمام متهمان در عملیاتی شناسایی و دستگیر شدند و مشخص شد، آنان از چندین استان کشور اقدام به سرقت اینترنتی کرده‌اند که تاکنون هفت پرونده در ارتباط با کلاهبرداری متهمان تشکیل شده و شناسایی دیگر مالباختگان در دستور کار پلیس است.

ارسال حکم اعدام قاتل وکیل آبادانی به دیوان عالی کشور

■ فارس: دادستان آبادان گفت:اجرای حکم قصاص متهم به قتل وکیل آبادانی در ملأعام با اعتراض مواجه و در حال حاضر پرونده برای تایید نهایی به دیوان‌عالی کشور ارسال شده است. اصغر مهرنیا توضیح داد: با پیگیری‌های صورت گرفته در ارتباط با تشکیل هرچه سریع‌تر دادگاه کیفری استان و صدور حکم متهم پرونده قتل وکیل آبادانی در ملأعام، این دادگاه در ۱۱ شهریور برگزار و در همان جلسه نخست دادگاه رای به اجرای قصاص در ملأعام داده شد و هم‌اکنون پرونده در حال گذراندن مراحل قانونی است. وی اضافه کرد: البته طبیعی بود که اجرای حکم با اعتراض مواجه شود که اینچنین نیز شد و در حال حاضر پرونده متهم به قتل وکیل آبادانی به دیوان‌عالی کشور ارسال شده است. مهرنیا عنوان کرد: به محض اینکه پرونده از دیوان‌عالی کشور ارجاع داده‌شود مراحل تشریفاتی و قانونی پرونده انجام خواهد شد و حکم به اجرا درآید. وی در پایان گفت: حکم متهم به قتل این پرونده محرز است و همه شواهد علیه وی به اثبات رسیده، تنها در انتظار نتیجه نهایی و اجرای حکم قصاص هستیم که البته امیدواریم هرچه سریع‌تر انجام شود. بنا بر این گزارش متهم به قتل وکیل خود را در بازار آبادان با شلیک گلوله از پا درآورده بود.

تایید قصاصی قاتل کودک ۵ساله

■ مهر: مرد ۷۵ساله که برای انتقام گرفتن از مستاجرش کودک پنج‌ساله او را به قتل رسانده بود، با تایید حکم قصاصش در یک قدمی چوبه‌دار قرار گرفت. ماموران پلیس ۲۱اردیبهشت‌سال گذشته از انتقال پسر مجروحی به یکی از بیمارستان‌های تهران باخبر شدند و پس از حضور در بیمارستان دریافتند کودک پنج‌ساله به‌نام حسین با دو ضربه چاقو از ناحیه شکم مجروح شده و در حال حاضر در اتاق عمل است. تحقیقات در این زمینه ادامه داشت تا اینکه پزشکان اعلام کردند حسین به علت شدت جراحات جان باخته است. با مرگ کودک پنج‌ساله پرونده در اختیار کارآگاهان ویژه مبارزه با قتل قرار گرفت و تیم جنایی در نخستین گام به تحقیق از پدر حسین پرداختند. مرد جوان صاحبخانه ۷۵ساله خود را به نام حسن به عنوان قاتل معرفی کرد و گفت: روز حادثه صاحبخانه‌ام برای گرفتن ۳۰هزار تومان اجاره خود به در خلعام در اسلامشهر مراجعه کرد. وقتی به او گفتم در حال حاضر پولی در خانه ندارم، رفت و چند دقیقه بعد دوباره بازگشت. وقتی در باز کردم او بر روی من و پسرم قیر مذاب ریخت و با چاقو به تعقیب من پرداخت. حسن وقتی نتوانست من را بگیرد دوباره به سمت خانه بازگشت و این‌بار با دو ضربه حسین را به شدت مجروح کرد. کارآگاهان در ادامه خانه متهم به قتل را در کرج شناسایی و او را دستگیر کردند او در بازجویی‌ها با قبول اتهامش گفت: وقتی با پدر مقتول درگیر شدم کنترل خود را از دست داده و چاقو را در شکم پسر بچه فرو کردم. متهم سپس در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه قرار گرفت که با درخواست پدر مقتول به قصاص محکوم شد. با اعتراض حسن پرونده به شعبه ۲۹ دیوان عالی کشور فرستاده شد و قضات دیوان عالی کشور حکم قصاص را تایید کرد.

شرق: دو مرد که دختر دانشجویی را ربوده و به وی تعرض کرده بودند با حکم قضات دادگاه کیفری استان البرز در ملأعام به دارآویخته می‌شوند. مردی میانسال شامگاه ۲۴ مهر سال گذشته به کلاتری کمالشهر کرج رفت و پلیس را از وقوع جنایتی فجیع مطلع کرد. او گفت دخترش توسط دو مرد ربوده شده و مورد آزار قرار گرفته است. این مرد توضیح داد: «وقتی مینا از دانشگاه به خانه بازگشت لباس‌هایش پاره و سر و صورتش زخمی بود. او به شدت گریه می کرد و اصلا حال خوبی نداشت. بعد از چند دقیقه که سعی کردیم او را آرام کنیم، پرسیدیم چه اتفاقی افتاده است و او گفت دو مرد که سوار پراید بودند او را درزدینند و با زور به او تعرض کردند».

ماموران بعد از تشکیل پرونده مقدماتی به بازجویی از دختر دانشجو پرداختند. او گفت: «من در دانشگاه قزوین درس می‌خوانم. روز حادثه بعد از اتمام کلاس‌ها با تاکسی بین‌شهری به کرج آمدم و زیر پل حصارک پیاده شدم و به ترمینال فجر رفتم تا از آنجا راهی خانه‌ام شوم. کنار خیابان ایستاده بودم که پراید مشکئ‌رنگی توقف کرد. مردی در صندلی عقب نشسته بود و من خیال کردم راننده، مسافرکش است. سوار شدم و روی صندلی جلو

نشستم. بعد از طی مسافتی مردی که پشت سر من بود صندلی‌ام را خواباند و چاقویی را زیر گلویم گذاشت و گفت اگر صدایم دربیاید مرا می‌کشد. من که شوکه شده و به شدت ترسیده بودم، سکوت کردم، آن دو من را به باغی بردند.» دختر جوان ادامه داد: «من در باغ به دو پسر التماس کردم رهایم کنند. به آنها گفتم همه پول‌ها و طلاهایم را بپردازند اما به خودم آسیبی نرسانند. در همان هنگام که تلاش می‌کردم خودم را نجات بدهم مردی که به نظر می‌رسید افغان است، وارد باغ شد. او با یکی از پسران جوان صحبت کرد و بعد از باغ بیرون رفت. سپس هر دو مرد به زور به من تجاوز کردند و بعد هم مرا به خیابان بردند و رهایم کردند. من به سختی خودم را به خانه رساندم و به خانواده‌ام گفتم چه بلایی سرم آمده است.»

ایسن دختر به کارآگاهان گفت: علاوه بر نشانی باغ،



برادر کشی به دلیل پیراهن

برادر کشی به دلیل پیراهن



گفت: اتهام خودم را قبول دارم. من برادر ام را کشتیم و از کاری که کردم خیلی پشیمان هستم. او در توضیح آنچه اتفاق افتاده بود، گفت: من در مرضی از بچگی رابطه خوبی با هم داشتم. من او را دوست داشتم و آنقدر رابطه ما با هم نزدیک بود که هیچ وقت دعوا نمی‌کردیم و همیشه هم از لباس‌های همدیگر استفاده می‌کردیم. روز حادثه من پیراهن برادر ام پوشیده بودم. از وقتی که از دواج کرده بودم روی کارهایم حساس شده بود. وقتی وارد خانه شد و دید پیراهن او را پوشیده‌ام ناگهان عصبی شدم و گفت پیراهنش را می‌خواهد چون میهمان در خانه بود. از او خواستم کمی صبر

شماره پلاک خودرو پراید را نیز یادداشت کرده است. ماموران با ردیابی اتومبیل موردنظر فهمیدند این پراید چند روز قبل به سرقت رفته است. وقتی این سرخ به جایی نرسید آنها راهی باغی شدند که مینا نشانی‌اش را داده بود. آنها فهمیدند در باغ مجاور مردی افغان به عنوان باغبان کار می‌کند. او وقتی تحت بازجویی قرار گرفت، رهایم آسیبی نرسانند. در همان صدى داد و فریاد شنیدیم و خیال کردم دزد آمده است، برای همین به آنجا رفتم اما یکدفعه محسن را که پسر صاحب باغ بود، دیدم. او به طرفم آمد و با من به خاطر ورود بدون اجازه‌ام دعوا کرد. توضیح دادم چرا به آنجا رفته‌ام و محسن هم گفت مشکلی وجود ندارد به همین دلیل من هم سرکار خودم برگشتم.»

کارآگاهان با توجه به گفته‌های مرد افغان، محسن را

برادر کشی به دلیل پیراهن

کند تا میهمانان بروند اما بهانه‌گیری کرد و با پرخشاکری با من حرف زد. او ورزشکار حرفه‌ای بود و بوکس کار می‌کرد و خیلی راحت می‌توانست من را کتک بزند. با مشت به جانم افتاد و اصرار کرد همین حالا پیراهنش را بدهم. چند

مشت به من کوبید من هم عصبانی شدم و چاقوی میوه‌خوری را که روی زمین بود برداشتم و او را زدم. قسمد این نبود برادر ام را بکشم. من او را فقط به این دلیل زدم که نتوانم جلو ضربات را بگیرم. متهم ادامه داد: یکسال بود که ازدواج کرده بودم و در این مدت با اینکه چیزی تغییر نکرده بود رابطه‌ام همچنان با برادر ام خوب بود اما نمی‌دانم چرا او نسبت به کارهای من حساس شده بود. خیلی ناراحت می‌شد و پرخشاکری می‌کرد. آن روز هم خانواده خالام خانه ما بودند و به جای اینکه برادرم کوتاه بیاید و رعایت کند بدتر کرد و باعث شد این اتفاق بیفتد. در این هنگام یکی از قضات

دست یافتند که حکایت می‌کرد جنازه از خانه‌ای در همان نزدیکی خارج شده است. جست‌وجو در آن محدوده پلیس را به خانه‌ای رساند که لکه‌های خون جلوی در ورودیش مشهود بود. ماموران برای بررسی بیشتر چندبار رنگ در آن خانه را به صدا درآوردند اما وقتی کسی جواب داد با کسب دستور قضایی وارد آنجا شدند و هنگام بازرسی منزل مشاهده کردند برخی اثاثیه به تازگی شسته شده و هنوز خیس است. این موضوع نشان از آن داشت که فرد با افرادی سعی کرده‌اند آثار خون را محو کنند. تفتیش دقیق‌تر بر این فرضیه مهر تایید زد و ماموران روی پسرده و یکی از دیوارها چند لکه خون را که از نظر قاتل یا قاتلان دور مانده بود، یافتند.

دنبال کردن رد خون راز جنایت را فاش کرد

برادران، شوهر صیغه‌ای خواهر را کشتند

افسران جنایی در گام بعدی به تحقیق از همسایگان پرداختند و فهمیدند زنی جوان در این خانه به تنهایی زندگی می‌کند و شوهر او در زندان به سر می‌برد. در حالی‌که تلاش‌ها برای شناسایی و دستگیری این مظنون ادامه داشت یک روز بعد زنی به نام مهسا به پلیس آگاهی رفت و مدعی شد که همسر موقت مهرداد به نام بوده است. این زن گفت: «من و مهرداد چند وقت قبل با هم آشنا شدیم و وقتی او پیشنهاد عقد موقت داد قبول کردم البته به جز خودمان شخص دیگری در جریان ازدواج ما قرار نداشت و ما به مدت ۹ ماه صیغه شدیم. در ایسن مدت هروقت فرصتی پیش می‌آمد همدیگر را ملاقات می‌کردیم تا اینکه چند روز قبل خواهرم به سفر رفت و قرار شد من چند روزی را در خانه او بمانم. شب

بازداشت کردند. او در بازجویی‌های تخصصی به جرمش اقرار کرد و گفت: «آن شب همراه یکی از دوستانم به نام نیما این دختر را ربودیم و به باغ بردیم. او خیلی ترسیده بود و مرتب خواهش و التماس می‌کرد اما ما هر دو به وی تعرض کردیم.» نیما نیز در ادامه تحقیقات دستگیر شد اما ادعا کرد جرمی انجام نداده است و شب حادثه اصلا همراه محسن نبود. این جوان بعد از چند جلسه بازجویی بالاخره دست از انکار برداشت و به تعرض به مینا اقرار کرد. سپس پرونده برای محاکمه متهمان در اختیار قضات شعبه اول دادگاه کیفری استان البرز قرار گرفت. مینا در جلسه دادگاه بار دیگر ماجرا را شرح داد و گفت: «کاری که این دو پسر انجام دادند زندگی من را غنیمت و محسن هم گفت مشکلی وجود ندارد به همین و گرفتاری‌های زیادی برایم پیش آمده است.»محسن در این جلسه نیز اتهامش را گردن گرفت اما نیما بار دیگر عتف، به اعدام در ملأعام محکوم کردند. آنها همچنین حکم دادند هر یک از متهمان باید به جرم آدم‌ربایی ۱۵ سال زندان نیز تحمل کنند.

از متهم پرسید: تو در بازجویی‌های مختلف ادعاهای

متفاوتی را مطرح کرده‌ای و هر بار مدعی شده‌ای چاقو را از یکجا برداشته‌ای. مثلا یکبار گفته‌ای چاقو را از آشپزخانه برداشتی و یکبار هم گفته‌ای از بردارت گرفتی و یکبار هم گفتی از روی زمین برداشتی. دلیل این همه تناقض‌گویی چیست؟ متهم گفت: من نمی‌دانم این حرف‌ها را آن‌کدامه شاید در آن زمان در حال خودم نبودم. من هیچ وقت نخواستم قتل برادرم را انکار کنم. واقعیت این است که آن روز میهمان داشتم و بشقاب میوه روی زمین بود. من هم حین دعوا خم شدم و یکی از کارهای میوه‌خوری را برداشتم و به برادرم زدم. ای کاش به جای او من می‌مردم و این همه عذاب را تحمل نمی‌کردم. خیلی از کارم پشیمان هستم. سپس بابک خرمشاهی وکیل مدافع متهم در جایگاه حاضر شد و گفت: با توجه به اینکه اولیای‌دم از متهم گذشت کرده‌اند بنابراین وارد جزییات پرونده نمی‌شوم و چون متهم نه معناد است و نه سابقه کیفری دارد و همچنین به دلیل اینکه همسر جوانی دارد که در خانه منتظر است بنابراین درخواست دارم هیات قضات در جنبه عمومی جرم برای متهم تخفیف قابل شوند. متهم دو سال است که در زندان به سر می‌برد و در این مدت هم هیچ شکایتی از زندان علیه او مطرح نشده است. سپس متهم یکبار دیگر در جایگاه حاضر شد و آخرین دفاعیات خود را مطرح کرد. در پایان هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

حادثه مهرداد که نشانی خانه خواهر ام می‌دانست به آنجا آمد و سعی کرد وارد منزل شود ولی به او توضیح دادم برادرانم در راه هستند و هر لحظه ممکن است سر شود و همچنین در خصوص قضای علیه امنیت فساد وارد خانه شد. همان موقع برادرانم از راه رسیدند و وقتی او را دیدند با هم درگیر شدند. من به شدت ترسیده بودم ولی کاری از دستم برنمی‌آمد. یکی از برادرانم در این دعوا مهرداد را با چاقو زد. من که با دیدن خون وحشت‌زده شده بودم به سرعت از خانه فرار کردم و بعد از آن دو برادرم مهرداد را از خانه بیرون بردند و من نمی‌دانم آنها کجا هستند و چه می‌کنند اما خودم بعد از یک روز سرگردانی تصمیم گرفتم به پلیس مراجعه و خودم را تسلیم کنم.»

بنا بر این گزارش کارآگاهان بعد از پی بردن به اسرار این جنایت زن جوان را بازداشت کردند و در حال حاضر در تالش هستند تا برادران او را بازداشت و بازجویی کنند تا جزییات بیشتری از قتل فاش شود.

تاز جزییات بیشتری از قتل فاش شود.



آتش در بازار گل

آتش بخشی از بازار گل در جاده خاوران را دربرگرفت و خساراتی بر جای گذاشت. این آتش‌سوزی ساعت ۱۰:۳۰ بامداد دیروز رخ داد و هنگام رسیدن آتش‌نشانتان چندین غرفه از بازار گل کاملاً شعله‌ور شده و حریق در حال گسترش و سرایت به غرفه‌های دیگر بود اما امدادگران آتش را در لحظات اولیه به طور کامل مهار و خاموش کردند. علت این حادثه توسط کارشناسان در دست بررسی است.

حوادث

نگاه

وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی



شاپور اسماعیلیان

وکیل پایه یک دادگستری

■ تحقیقات مقدماتی در امور کیفری، مرحله‌ای است که در آن، اقدام‌هایی از قبیل تحقیق از شاکی، بازجویی از متهم، تفهیم اتهام، صدور قرار تأمین کیفری، استماع شهادت شهود و به طور کلی جمع‌آوری دلایل و یا هر اقدامی که برای کشف قضیه مؤثر باشد، انجام می‌گیرد. نمی‌توانند برخلاف آن عمل کنند. آیین دادرسی کیفری نامیده می‌شود. تحقیقات مقدماتی، اصولاً در مرحله دادرسا انجام می‌شود اما در برخی جرایم بنا به مصالحی ممکن است این تحقیقات راساً از طریق دادگاه صلاحه به عمل آید. در جامعه امروزی، برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی – به ویژه شهروند متهم – و رعایت حقوق عمومی و مصالح جامعه، شفافیت آیین دادرسی کیفری در رعایت اصول و مقررات، تأمین‌کننده این حقوق و مصالح ضروری است. این در حالی است که در قانون آیین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ و قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحات بعدی با وجود احیای دادرسا، نه تنها این شفافیت رعایت نشده، بلکه هر دو قانون دارای اشکال‌ها و ابهام‌های جدی است و دلایل این ادعا، صدور آرای وحدت رویه فراوان برای رفع این ابهام‌ها، و اغلب تعدد رویه در کاربرد این مقررات در مراجع قضایی است و با وجود آزمایشی بودن قانون آیین دادرسی کیفری و احیای دادرسا، هنوز تصویب نهایی قانون جامع در این زمینه، عملی نشده است.یکی از موارد چالش‌برانگیز در این قانون، آزمایشی، موضوع دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی است که ذیلاً به تکانی در این رابطه اشاره می‌شود.۱- اصل ۳۵ قانون اساسی در راستای برخورداری شهروندان از حق انتخاب و تعیین وکیل مقرر می‌دارد: «هر همه دادگاه‌ها آدر معیت وکیل دادرسا[ند] طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر نتوانند، وکیل تعیین وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.»هر مورد دخالت وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب، مقرراتی وضع شده است که با اصل انتخاب و شرکت وکیل در قضاوت با قیود دادرسی امع از عرصه تحقیق و محاکمه، و مقررات قانون اساسی اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که مورد پذیرش قوه تقنینی وقت (سال ۱۳۵۴) قرار گرفته، مطابقت ندارد. ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاههای عمومی و انقلاب مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند یک وکیل، همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق، پس از خاتمه تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند، به قاضی اعلام کند. اظهارات وکیل در صورتجلسه منعکس می‌شود.» تبصره دارد با حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد شود و همچنین در خصوص قضای علیه امنیت فساد حضور وکیل با اجازه دادگاه خواهد بود.» اما در ماده ۱۹۰ همان قانون که در تاریخ تصویب آن، دادرسا احیا نشده بود و تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه عمومی یا انقلاب صالحه انجام می‌شد، آمده است: «در مواردی که تحقیقات تکمیل، و برای انجام متهم وقت تعیین شده باشد، متهم با وکیل حق دارد، پیش از شروع محاکمه به دفتر دادگاه مراجعه و با محتویات پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل کنند.»۲- جدای از اینکه مقررات تبصره ماده ۱۲۸ مرقوم راجع به منع حضور وکیل در مرحله تحقیق با توسل به مفهوم «موجب فساد» و با استناد به عنوان کلی جرایم علیه امنیت کشور – که می‌تواند جرایم زیادی را دربرگیرد – قابل انتقاد است و با اصل دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی جرایم، بدون نیاز به اجازه دادگاه به عنوان یک اصل پذیرفته شده و تنها در موارد مذکور در تبصره ماده ۱۲۸، که تشخیص آن به عهده قاضی است، حضور وکیل در این مرحله مستلزم اجازه دادگاه است و باید ادعا،ن کرد کسب اجازه برای حضور در مرحله تحقیق، به هیچ‌وجه به معنای محروم کردن متهم از حق داشتن وکیل مدافع در این مرحله و با ایجاد محدودیت در دیگر اقدام‌های قانونی وکیل برای دفاع از موکل (مانند تقدیم لایحه دفاعیه، ارایه مدارک و دلایل، درخواست قبول تأمین یا تخفیف آن به جهات قانونی و…) نیست و «حکم مقرر در ماده ۱۲۸ ق.آ.ک. به آن معنی نیست که وکیل متهم صرفاً پس از اخذ آخرین دفاع می‌تواند مطالب لازم را بیان دارد، بلکه در صورت استمرار جلسات تحقیق با عنایت به اینکه مطالب اعلامی از سوی وکیل، ممکن است مسیر تحقیقات را تغییر دهد و یا در کشف حقیقت با دفاع از متهم و احراز واقع مؤثر باشد، بنابراین اعمال استفاده از این حق، در پایان هر جلسه تحقیق از طرف وکیل متهم بلامانع است.» نظریه مشورتی ۸۵/۶۸۸۵-۱۴/۰۳/۹۲.